

# ملواریان و سرگرمی عظمت‌زا

احمد بهلوانیان

رشد صنعتی در اروپا، افزایش بی‌سابقه تعداد کارخانه‌ها و نیاز فراوان به نیروی کار، موجب گردید بسیاری از مردم برای کار، به صراغ کارخانه‌ها بروند. سیل کارگران خسته از کار روزانه و فشار روحی و روانی وارد شده به آنان، احساس نیازی شدید به سرگرمی و تفریح در آنان پدید آورد و این احساس نیاز هر روز شدیدتر و جدی‌تر می‌شد.

در آن زمان بود که اصطلاحاتی چون اوقات فراغت، سرگرمی و... به معنایی که امروزه استعمال می‌شود، همراه با تمدن صنعتی غرب که کارخانه‌ها به مثابه قلب تپنده و حیات بخش آن بودند، متولد شد.

در طول تاریخ، احساس نیاز در هر زمینه، نیروی محرک و عامل حرکت فرد یا افراد جامعه برای به دست آوردن امکانات و فن‌آوری‌هایی برای برآورده کردن آن نیازهاست. از این رو، تمدن غرب تمامی استعداد و اندیشه خود را جهت ساخت وسایل و ابزار سرگرم کننده برای تفریح و تفریح مردم به کار گرفت. اگر پاسخ درستی به این نیاز داده نمی‌شد، تمدن غرب در راه پیشرفت خود، با دست انداز بزرگی مواجه می‌گردید. کارخانه‌های بزرگ و متعدد نیاز به کارگران شاداب و پرنانرژی داشتند که چنان بیخ و مهره، در اختیار این غول‌های مکانیکی قرار گیرند و تمدن غرب برای تبدیل انسان‌های با هویت و آزاده به کارگرانی رام و مطیع، دست به دامان مخدروی قوی و کارساز شد. آن مخدر و افیون چیزی نبود جز سرگرمی مدرن؛ نوعی گذران وقت همراه با بی‌خودی که انسان را نسبت به اصالت خود و درد و رنج و ظلم بزرگی که بر او می‌رود، غافل سازد. پس زندگی انسان به سه بخش اساسی تقسیم گردید:

۱. کار فشرده و سخت



احمد بهلوانیان

متولد سال ۱۳۵۴ شهر یزد

تخصصات:

دانش آموخته حوزه علمیه قم (خارج فقه)

و اصول)

کارشناسی ارشد ارتباطات از دانشکده

صدا و سیما (قم)

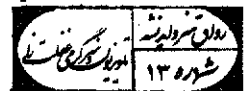
کارشناسی ارشد فلسفه از دانشکده باقر

العلوم (قم)

تألیفات:

رابطه نفس با بدن (در حال چاپ)

←



## ۲. سرگرمی و غفلت

### ۳. خواب.

بدین سان، انسان مدرن محل اجتماع درد و لذت، رنج و سرگرمی، و ظلم و شهوت شد. مسابقات مختلف ورزشی، از فوتبال و بوکس گرفته تا خشونت‌هایی شبه ورزشی چون کشتی کج، دیسکوها، کلوب‌های شبانه و ... همه پاسخی برای نیاز انسان غربی به سرگرمی بودند.

در غرب، بخش زیادی از زندگی انسان را تفریح و سرگرمی پر می‌کرد. البته تفریح و سرگرمی به دو گونه است؛ گاهی تفریح همراه با تذکر حقیقت و ارتباطی است که انسان با کل هستی دارد؛ همانند آنچه اسلام به آن سفارش کرده است؛ یعنی مسافرت، گردش، سیر در زمین و ... و گاه تفریح و سرگرمی یعنی لحظاتی که انسان به پهانه درد و رنجی که دارد، از انسان بودن خویش غافل می‌شود و خود را در دریای تخدیر، سرمستی و غفلت غرق می‌سازد. آنچه در تمدن مدرن غرب، سرگرمی خوانده می‌شود، بی شک، از قسم دوم است. هنگام تماشای یک مسابقه فوتبال در ورزشگاه، چه اتفاقی می‌افتد؟ هزاران نفر در حالی که به چیزی جز توپ، شوت و دروازه تیم مقابل نمی‌اندیشند، به هیجان آمده، کف و سوت می‌زنند، داد و فریاد می‌کنند، سرخورده و ناراحت می‌شوند، به همدیگر می‌پزند و کتک‌کاری می‌کنند راستی این همه شور و هیجان بدون فکر بر سر چیست؟ بازی؛ یعنی به راه انداختن یک نمایش بیست و دو نفره برای سرگرمی و تفریح و غلیان هیجانات کاذب و دروغین.

بسیار دیده‌ایم انسان‌های مؤدب و موقری را که وقتی پای تلویزیون، به تماشای یک مسابقه حساس فوتبال می‌نشینند، حرف‌هایی می‌زنند و حرکاتی انجام می‌دهند که باورکردنی نیست. اینان در این لحظات، اخلاق و آداب اجتماعی خود را فراموش کرده‌اند؛ چه رسد به حقیقت انسانی و مقام خود در هستی را.

ممکن است کسی پس از تماشای مسابقه فوتبال، برای ورزشکار شدن و تصمیم به تلاش جدی در این عرصه تحریک شود؛ اما بعید است هدف او سلامتی بدن جهت یک زندگی انسانی و با شرافت باشد، بلکه انگیزه اصلی، قهرمانی و ستاره ورزشی شدن است. یعنی هضم شدن در همان فرآیند ایجاد سرگرمی و هیجان کاذب و آبی برای دیگران. این روی دوم، سکه است که این ماشین عظیم و مدرن سرگرمی‌ساز نیاز به مواد اولیه و سوخت کافی دارد تا دست‌یابی به اهداف از پیش تعیین شده برایش میسر شود:

تلویزیون به مثابه یک رسانه گروهی و وسیله ارتباط جمعی، کارکردهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد. سرگرمی، آموزش، اطلاع رسانی و بسیج<sup>۱</sup> از جمله این کارکردهاست. با توجه به آنچه امروزه در تلویزیون دنیا وجود دارد - البته آموزش، اطلاع رسانی و بسیج در مواقع مورد نظر هست - به طور قطع، می‌توان گفت سرگرمی حرف نخست را می‌زند.

### مسئولیت ما

مدیریت خانه هنر و اندیشه مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (۱۳۸۶-۱۳۸۱)

مدیریت اداره کل خدمات رسانه ای مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما



### 1. Mobilization



اگر نگاهی از سر تأمل، به برنامه‌های خبری رسانه‌های جهانی داشته باشید، خواهید دید که سمت و سوی حرکت این گونه برنامه‌ها که برای آموزش و اطلاع‌رسانی تنظیم شده‌اند نیز تنوع و سرگرمی است. و لطمه‌های متعدد و جذاب، گزارش‌های متنوع و سرگرم کننده، تقسیم اخبار به بخش‌های کوچک و گذرا و گویندگان جذاب و بعضاً اهل شوخی، همه نشان از این دارد که تلویزیون پذیرفته است که اخبار نیز باید مخاطب را سرگرم کند، نه اینکه او را نسبت به آنچه از اوضاع و احوال جهان می‌شنود، حساس سازد و او را دچار دغدغه کند. مردم از کار روزانه خسته‌اند و هزاران مشکل کوچک و بزرگ دارند؛ معنا ندارد که به آنها فشار وارد شود و امنیت روانی آنان خدشه‌دار گردد.

*قیافه خوش و شایسته مهرورزی گوینده خبر، شوخی‌های لطیف، موسیقی‌های همراه  
عناوین خبر، متن برنامه‌های خبری در آغاز و در پایان، گزارش‌های مصور و متنوع،  
پیام‌های بازرگانی پرچندبیه، همه و همه گویی بدان منظور عرضه می‌شوند که آنچه را  
که شنیدیم و دیدیم، دلیلی برای نگرانی و افسردگی و آه و ناله ندانیم.*

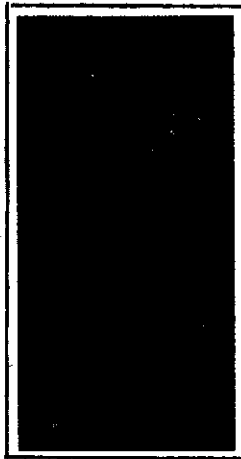
کم ضررترین برنامه‌های تلویزیون برنامه‌هایی است که ادعایی جز سرگرم کردن مخاطب و تفریح او ندارند و سراپا سرگرم کننده هستند؛ اما وقتی تلویزیون با همین رویکرد سرگرمی، به سراغ مفاهیم جدی زندگی مانند دین می‌رود، با آنها بازی می‌کند و آن را تا سطح شوخی‌های عوامانه و بذله‌گویی تنزل می‌دهد، بزرگ‌ترین آسیب‌ها را به جا می‌گذارد. از زمانی که انسان در مراحل رشدش، به درکی نسبت به محیط و اطراف خود می‌رسد، تلویزیون او را شکار می‌کند و لحظه‌ای او را نمی‌گذارد؛ آن قدر او را به خود مشغول می‌کند که لحظه‌ای به فکر خود، گذشته و آینده‌اش نیفتد؛ او را در دریایی از سرگرمی غرق می‌سازد و در دلخوشی ای پایان‌ناپذیر به غفلت و بی‌خبری ره‌ایش می‌کند.

امروزه پرسش‌های اساسی انسان عوض شده‌اند. اگر روزی پرسش‌های جدی انسان در روی این کره خاکی این بود که:

*از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می‌بری آخرت‌نمایی وطنم؟*

اینک پرسش‌های او نه تنها رنگ و لعاب دیگری گرفته‌اند، بلکه حقیقت دیگری یافته‌اند. انسان تلویزیون‌زده امروز بیش از آنکه از این ناراحت باشد که چرا لحظه‌ای در شبانه‌روز، به گفت‌وگوی صمیمانه با خدای خود نمی‌نشیند، از این دلگیر است که چرا میهمانی دیشب دیر به پایان رسیده و او نتوانسته برنامه طنز شبانه را تماشا کند و حالا مجبور است چندین ساعت به انتظار تکرار آن بنشیند. تلویزیون در دنیای امروز، زندگی انسان را در غفلت و ابتئال غرق کرده است. البته چنین نیست که این غفلت تنها مربوط به لایه‌های عمیق زندگی او باشد، بلکه تلویزیون حتی آدمی را از زندگی روزمره خود نیز غافل و بی‌خبر می‌گذارد. در این دنیای رسانه‌ها و

۲. نیل پشمن، زندگی در عیش مردن  
در خوشی، دکتر صادق طباطبایی، ص  
۱۹۹



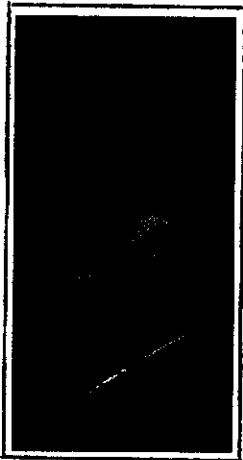
مجله فرهنگی و ادبی  
شماره ۱۳

عصر اطلاعات، ما گمان می‌کنیم که باخبر و مطلع هستیم؛ در حالی که از بسیاری از مسائل اطراف زندگی‌مان بی‌خبریم. این از عوارض جامعه تلویزیون‌زده است که تنها به سرگرمی و تنوع می‌اندیشد. این جمله نیل پستمن انسان را به فکر فرو می‌برد:

آمریکاییان که سرگرم‌ترین ملت جهان غرب هستند، کم اطلاع‌ترین و بی‌خبرترین مردمی نیز هستند که از حقایق اطلاعات عمومی برخوردارند ... بیش از ۷۰ درصد مردم آمریکا نمی‌دانند وزیر امور خارجه‌شان کیست! برای مثال، اشاره کنم به موردی دیگر؛ مثلاً به ایران و حادثه گروگان‌گیری. من عقیده دارم که هیچ رویدادی در دوران اخیر، به اندازه این حادثه در رسانه‌ها و به ویژه در تلویزیون، مورد توجه قرار نگرفته ... حال من این سوال را مطرح می‌کنم: آیا اشراق آمیز است اگر بگوییم از هر صد نفر آمریکایی، یک نفر نمی‌داند که ایرانیان به چه زبانی تکلم می‌کنند؟ یا از هر صد نفر، یک نفر دقیق نمی‌داند که اصول عقاید و مذهب ایرانیان چیست؟<sup>۳</sup>

تلویزیون اگر بخواهد به کارکردهای مرسوم خود در دنیای امروز تن دهد، راهی جز فرو رفتن در دنیای سرگرمی‌ساز غفلت‌آفرین ندارد؛ دنیایی که به نوعی و به زبان تمثیل، در شهر بازی داستان پینوکیو می‌بینیم و از آن متأثر می‌شویم. بنابراین، بازاندیشی جدی پیرامون تلویزیون و کارکردها و نقش‌های آن و ارائه تعریفی جدید از این کارکردها، در جامعه‌ای که قرار است تلویزیون در آن، در نقش دانشگاهی بزرگ و فراگیر ظاهر شود و جامعه را به سمت فرهیختگی و فرزانتگی سوق دهد، لازم و ضروری است.

۳. نیل پستمن، زندگی در عصر مردن در خوشی، دکتر صلتق طباطبایی، ص ۲۳۲، ۲۳۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی